بررسی و نقد احادیث قرطاس در کتاب سلیم بن قیس الهلالی

مجید معارف[1]
مژگان خان بابا[2]

چکیده

جانشینی پیامبر(ص)، یکی از دامنه دارترین مسائلی است که از رحلت آن حضرت تاکنون، اندیشمندان دو فرقه شیعه و سنی را به خود مشغول داشته است. اهل تسنن با استناد به رای مشورتی مردم، مساله ی جانشینی پیامبر(ص) را با مبنای انتخاب امت تحلیل می کنند و متکلمان شیعی با استناد به متون دینی معتقدند که پیامبر، این امر مهم را به هیچ وجه فروگذار نکرده و به صراحت، جانشینان خود از میان اهل بیت(ع) را تعیین نموده است.. در این راستا، یکی از مستندات شیعه، احادیث قرطاس در کتاب سلیم بن قیس الهلالی و دیگر منابع می باشد که در احادیث آن ادعا شده پیامبر(ص) در آخرین لحظات حیات، جهت نگارش وصیت خود، صحیفه و دواتی خواسته و علیرغم اختلاف و نزاع جمع حاضر بر سر این موضوع، به ترتیب، دوازده جانشین پس از خود را با نام و نشان به علی(ع) املا نموده است. این نوشتار درصدد بررسی صحت و سقم این حدیث با مقایسه با دیگر منابع روایی است.

کلید واژه ها :کتاب سلیم بن قیس، حدیث قرطاس، وصیت پیامبر، تعیین دوازده جانشین.

۱ – استاد دانشگاه تهران maaref@ut.ac.ir
۲ – دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

۱- طرح مساله

در منابع حدیثی، از جمله کتاب سلیم بن قیس الهلالی ، روایات بسیاری وجود دارند که بر اساس آنها، پیامبر اکرم(ص) در واپسین لحظات حیات، از یاران خود، صحیفه ای خواست که برای آنها، مطلبی بنویسد تا هرگز گمراه نشوند. اما جمع حاضر بر سر این موضوع اختلاف نمودند و دستور پیامبر(ص) را اجرا نکردند. روایات متعددی در منابع اهل سنت و شیعه مدعی اند که پس از این ماجرا، پیامبر(ص) دیگر هرگز وصیت ننمود و در همان روز رحلت فرمود. در مقابل، دسته ای دیگر از روایات وجود دارند که مدعی اند پیامبر(ص) در نهایت، وصیت خود را به علی(ع)، مکتوب یا شفاهی اعلام نمود. در کتاب سلیم، چهار روایت به این موضوع مربوط می شود که در دو مورد از آنها گزارش شده پیامبر(ص) پس از آنکه حاضران، مجلس را ترک کردند، در حضور اهل بیت و اصحاب خاصه ی خود، وصیت خویش را با مضمون معرفی دوازده امام شیعه، بر علی(ع) املا نمود و در نهایت هدف خود را عملی کرد. اهمیت این حدیث از آن جهت است که، پس از رحلت رسول اکرم(ص)، خلیفه ی اول و دوم، ابوبکر و عمر، با نسبت دادن این قول به پیامبر(ص) که : « خداوند برای ما اهل بیت، نبوت و خلافت را جمع نخواهد کرد.» (عبد المقصود، ۲۷۷) مدعی شدند که آن حضرت، تمام آنچه را که در ولایت و خلافت علی(ع) پیش تر فرموده بود، را منسوخ نمود. این ادعای ابوبکر و عمر، یکی از مبانی تفکر اهل تسنن در ردّ تعیین جانشینی و وصایت ائمه معصومین از سوی پیامبر(ص) تا به امروز است. اما اثبات صحت صدور حدیث قرطاس با مضمون معرفی دوازده امام معصوم(ع) به عنوان آخرین وصیت پیامبر(ص) که سلیم بن قیس مدعی آن است، از این جهت اهمیت دارد که می تواند دلیلی بر بطلان این ادعا و در نتیجه یکی از مبانی فکری اهل سنت باشد. لذا مقاله حاضر در پی یافتن پاسخ به سوالات زیر است:

- احادیث قرطاس در کتاب سلیم چه شواهد و متابعاتی در دیگر منابع حدیثی فریقین دالّ بر واقعیت تاریخی آن دارد؟
- دلایل نقلی صحت احادیث قرطاس از کتاب سلیم با مضمون معرفی دوازده امام شیعه چیست؟
- شواهد عقلی و نقلی مکتوب شدن وصیت پیامبر(ص) که سلیم بن قیس مدعی آن است، چیست؟

۲- مقدمه

حدیث معروف به « قرطاس » ، « قلم و دوات » یا « یوم الخمیس »، ضمن احادیث چهل و نهم و بیست و هفتم، همچنین بخشی از احادیث یازدهم و چهاردهم از کتاب سلیم آمده، و دربردارنده ی موضوعاتی چون: سخنان و توصیه های حضرت رسول اکرم(ص) در لحظات پیش از رحلت ، درخواست برای نوشتن کتف و شاهد گرفتن بر آن ، سخن عمر در این رابطه ، سخن پیامبر(ص) در غیاب عمر و معرفی دوازده امام معصوم(ع) و املای آن بر امیرالمؤمنین ، علی (ع) است.

آنچه که از میان منقولات سلیم ، در این نوشتار ، مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت ، حدیث چهل و نهم از این کتاب است. نقل های دیگر سلیم یعنی حدیث یازدهم ، چهاردهم و بیست و هفتم به جهت مضمونی بسیار

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

نزدیک به حدیث چهل و نهم و همچنین روایات وارده در منابع فریقین است که به جهت پرهیز از تکرار، از آوردن آنها اجتناب شده است. اما متن حدیث چهل و نهم بقرار زیر است:

« سلیم بن قیس از سلمان نقل می کند :« بعد از آنکه آن مرد (عمر) آن سخن را گفت و پیامبر(ص) غضبناک شد و «کتف» را رها کرد، از امیر المؤمنین (ع) شنیدم که فرمود:« آیا از پیامبر(ص) نپرسیم چه مطلبی می‌خواست در کتف بنویسد که اگر آن را می‌نوشت احدی گمراه نمی‌شد و دو نفر هم اختلاف نمی‌کردند»؟ .....پیامبر(ص) فرمود: « .... جبرئیل به من دستور داد بنویسم آن نوشته‌ای را که می‌خواستم در کتف بنویسم و این سه نفر را بر آن شاهد بگیرم. برایم ورقه‌ای بیاورید». برای حضرت ورقه‌ای آوردند. پیامبر(ص) نام امامان هدایت‌کننده بعد از خود را یکی یکی املا فرمود و علی (ع) به دست خویش نوشت. همچنین فرمود: من شما را شاهد می‌گیرم که برادرم و وزیرم و وارثم و خلیفه‌ام در امّتم علی بن ابی طالب است و سپس حسن و بعد حسین و بعد از آنان، نه نفر از فرزندان حسین‌اند.....» (سلیم ،۲/ ۸۷۷ و۸۷۸)

۳- بررسی شواهد احادیث قرطاس از کتاب سلیم در منابع شیعه

احادیث قرطاس در کتاب سلیم در منابع شیعی دیگر ، دارای شواهد و متابعات فراوانی است. که می توان آنها را از جهت مضمون به چهار دسته تقسیم نمود:

۳-۱- احادیثی که در آنها پیامبر(ص) ، پس از همهمه و نزاع جمع ، از اظهار وصیت خود پرهیز می کند.

۳-۲- احادیثی که در آنها پیامبر(ص) ، به تمام حاضران، سه توصیه یعنی اخراج مشرکین از جزیرة العرب ، جایزه به وفود و سومی که از خاطر راوی فراموش شده را می کند.

۳-۳- احادیثی که در آنها پیامبر(ص)، در مجلسی خصوصی، وصایت خود را پس از نپذیرفتن عباس(عموی حضرت) به علی(ع) واگذار می کند.

۳-۴- احادیثی که در آنها پیامبر(ص)، در مجلسی خصوصی با اهل بیت خود، دوازده امام معصوم(ع) را با نام و نشان بر علی(ع) املا فرمود. نمونه ای از این روایات بقرار زیر است:

۳-۱- شواهد دسته ی اول از احادیث قرطاس در منابع شیعی

در برخی از منابع شیعه ، گرچه بعضاً به نقل از کتب اهل سنت ، شواهدی از احادیث قرطاس وارد شده از جمله :

- از ابن عباس نقل شده است: «پنج شنبه و چه پنج شنبه ای! سپس گریه کرد تا آنکه اشکهایش سنگریزه های روی زمین را خیس نمود و سپس گفت: وقتی در روز پنج شنبه بیماری رسول خدا شدت گرفت، فرمود: « دوات و کتفی بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم تا بعد از آن هرگز گمراه نشوید.» پس نزاع کردند و نزد پیامبر نزاع شایسته نیست و گفتند که رسول خدا هذیان می گوید.» (ابن شهر آشوب، ۱/ ۲۳۵)[1]

۳-۲. شواهد دسته ی دوم از احادیث قرطاس در منابع شیعی

۱- این روایت در کتاب سلیم ضمن حدیث بیست و هفتم و حدیث یازدهم(سلیم، ۲/ ۷۹۴ و۷۹۵ و ۶۸۳)؛ بحار الانوار به نقل از صحیحین (مجلسی ،۳۰/ ۵۳۳ و ۵۳۵)؛ الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم (عاملی نباطی ،۳/ ۱۰۰) و در التعجب من اغلاط العامه(کراجکی،۸۹) نیز با همین مضمون آمده است.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

این نوع روایات علاوه بر مضمون روایات دسته ی اول، بخشی اضافی، مشتمل بر سه توصیه پیامبر(ص) دارند، که در ذیل نمونه ای از آن آمده است:

سلیمان احول از سعید بن جبیر از ابان عباس نقل می کند: « پنج شنبه و چه پنج شنبه ای؟ سپس اشک از چشمانش جاری شد....گفت: رسول خدا (ص) فرمود: کتف و دوات بیاورید تا چیزی برایتان بنویسم که بعد از من هرگز گمراه نشوید. بر سر این موضوع نزاع کردند درحالیکه نزد پیامبر خدا، نزاع شایسته نبود و گفتند: همانا رسول خدا هذیان می گوید. حضرت فرمود: آنچه بدان خوانده شدم(مرگ) بهتر از آن چیزی است که مرا بدان می خوانید. و هنگام مرگ به سه چیز سفارش نمود: اینکه مشرکین را از جزیرة العرب اخراج کنید، به قبایلی که (به مدینه) می آیند جایزه دهید چنانکه من می دادم و سومی را فراموش کردم.» (مجلسی، ۳۰/ ۵۳۱ به نقل از صحیحین)

۳-۳- شواهد دسته ی سوم از احادیث قرطاس در منابع شیعی

این نوع روایات علاوه بر مضمون روایات دسته ی اول، بخشی اضافی ، مشتمل بر سه توصیه ی پیامبر(ص) را نیز دارد، که در ذیل نمونه ای از آن آمده است:

سلیمان احول از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می کند: «... مردم از نزد آن حضرت(ص) برخاستند، و تنها عباس (عموی آن حضرت، با پسرش(فضل، و علی بن ابی طالب (ع) و خانواده او ماندند، عباس عرض کرد: ای رسول خدا اگر کار خلافت و زمامداری در خاندان شما به جای می ماند، هم اکنون ما را بدان بشارت ده و اگر میدانی که دیگران بر ما چیره می شوند در باره ما دستوری فرما. فرمود: شما پس از من، ناتوانان خواهید بود، سپس خاموش گشت....همین که از پیش آن بزرگوار بیرون آمدند، فرمود: برادرم و عمویم را نزد من بیاورید، پس کسی را به دنبال آن دو فرستادند و علی(ع) و عباس آمدند، چون نشستند حضرت(ص) فرمود: ای عمو، آیا وصیت مرا به عهده می گیری و به وعده های من وفا می کنی، و دین مرا ادا کنی؟ عباس عرض کرد: ای رسول خدا عمویت پیرمردی عیالمند است، و تو در جود و بخشش با باد برابری می کنی؛ تو وعده هایی به مردم داده ای که عمویت تاب آن وعده ها را ندارد! پس روی به علی(ع) کرد و فرمود: ای برادر، آیا وصیت مرا می پذیری و وعده هایم را وفا و دین مرا ادا می کنی؟....«(مفید، ۳۶ و طبرسی، ۱۳۵)

۳-۴- شواهد دسته ی آخر از احادیث قرطاس در منابع شیعی

این روایات نیز، به مثابه روایات نوع دوم و سوم، پس از نقل بخش نخست از احادیث قرطاس، وصیت آن حضرت را معرفی دوازده امام معصوم(ع) و املا نمودن آن به علی(ع) بیان می کند. اینگونه روایات تنها در کتاب سلیم و به روایت سلیم از علی(ع) و سلمان فارسی می باشد و شاهد دیگری در منابع روایی دیگر ندارد. در ذیل نمونه ای از این روایات آمده است:

معمر بن راشد از ابان بن ابی عیاش از سلیم از علی(ع) خطاب به طلحه نقل می کند: « آیا شهادت می دهی که رسول خدا(ص) از ما کتفی خواست تا چیزی بنویسد که بعد از او، امتش گمراه نشوند و اختلاف نکنند؛ پس دوست تو (عمر) گفت: همانا رسول خدا هذیان می گوید. پس رسول خدا عصبانی شد و آن کار را رها نمود؟

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

گفت: آری شهادت می دهم. حضرت فرمود: پس وقتی شما از نزد رسول خدا رفتید، او مرا از آنچه می‌خواست بنویسد و اینکه عموم مردم را بر آن شاهد بگیرد، خبر داد. در این هنگام، جبرئیل، برای حضرت خبر آورد که خدای تعالی می داند که امت وی دچار اختلاف و تفرقه می شوند. سپس صحیفه ای خواست و آنچه را می خواست در کتف بنویسد بر من املاء نمود؛ و سه نفر یعنی: سلمان و ابوذر و مقداد را بر آن شاهد گرفتند و کسانی را که امامان هدایتگر از این امت هستند، آنانکه مومنان را امر به طاعت ایشان تا روز قیامت نموده، را نام بردند. اول آنها من، سپس این پسرم ، حسن(ع) و سپس این یکی پسرم، حسین(ع) سپس نُه فرزند از فرزندان حسین را نام بردند.«(سلیم ، ۲/ ۶۵۸؛ ابن ابی زینب، ۸۱ و ۸۲)[1]

۴- جمع بندی روایات شیعه در خصوص احادیث قرطاس

به نظر می رسد که روایات شیعه در باب حدیث قرطاس برخوردار از اختلاف باشد، اما در واقع چنین نیست. به عبارتی این روایات فاقد اختلاف و تناقض بوده و اختلاف ظاهری آنها حاصل نقل ناقص برخی راویان در مقابل گزارش کامل دیگر روّات است. راویانی که در مجلس عمومی حضور داشتند، تنها تقاضای پیامبر(ص) و نزاع جمع و در نهایت سه توصیه پیامبر(ص) را گزارش می کنند؛ چراکه آنان تنها شاهد این بخش از ماجرا بودند، اما روایانی چون سلمان فارسی و علی(ع) که در هر دو مجلس، چه در کنار صحابیان دیگر و چه در مجلس خصوصی آن حضرت با اهل بیت و اصحاب خاصه ی ایشان حضور داشتند، تمام ماوقع را گزارش کرده اند. در این میان، ابن عباس گاه حدیث قرطاس را تا بخش اول و گاهی به طور کامل نقل می کند که از این جهت ایرادی به نقل های او نمی توان وارد نمود. از این رو با کنار گذاشتن این روایات و در نهایت جمع بندی آنها می توان این حدیث را چنین گزارش کرد:

در روزهای پایانی عمر رسول خدا (ص)، آن حضرت به جمعی از اصحاب که به عیادتش رفته بودند، فرمود: قلم و دواتی برایم حاضر کنید تا برای شما نامه ای بنویسم که پس از آن هرگز گمراه نشوید. ولی بعضی از صحابه به مخالفت برخاسته و مانع نوشتن این نامه شدند. حضرت، پس از نزاع و مخالفت جمع، باز آنها را بی بهره نگذاشته و سه توصیه کلی به آنها فرمود. این توصیه ها عبارتند از: اخراج مشرکین از جزیرة العرب، جایزه به قبایلی که به جزیرة العرب می آمدند و سومی که از خاطر راوی فراموش شده است. پس از آنکه حاضرین، منزل پیامبر (ص) را ترک نمودند، در مجلسی خصوصی و در حضور اهل بیت(ع) و اصحاب خاص خود، وصیت خود را در پی پرسش عباس بن عبدالمطلب، اظهار نمود. بدین ترتیب که اسامی دوازده جانشین پس از خود را به علی (ع) املا نمود و اصحاب خود را بر آن شاهد گرفت.

۵- بررسی شواهد حدیث قرطاس از کتاب سلیم در منابع عامه

احادیث قرطاس از کتاب سلیم همچنانکه در منابع شیعه شواهدی دارد، در منابع اهل سنت نیز دارای متابعات و شواهدی است. حدیث مذکور در منابع اهل سنت از جهت مضمون به دو دسته قابل تقسیم است:

۱- این روایت در ضمن حدیث یازدهم و چهل و نهم از کتاب سلیم آمده و راویان بعدی نیز آنرا تنها از طریق سلیم نقل می کنند. نک: ابن ابی زینب ،۸۱ و ۸۲؛ مجلسی، ۳۱/ ۴۲۴.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

۵-۱- احادیثی که در آنها، پیامبر(ص) پس از نزاع و همهمه ی حاضرین از اظهار وصیت خود ممانعت به عمل آورد.

۵-۲- احادیثی که پس از نقل مضمون احادیث دسته ی اول، اضافه می کنند که پیامبر(ص) به جمع حاضر سه توصیه نمود. به شرح نمونه هایی از این روایات :

۵-۱- شواهدی از نخستین نمونه از احادیث قرطاس در منابع عامه

دو نمونه از احادیث دسته اول در منابع اهل سنت در ذیل آورده شد است:

- از ابن عباس نقل شده است: « پنج شنبه و چه پنج شنبه ای! سپس به اشک هایش که بر گونه هایش مانند لولو سرازیر می شد نگریستم. گفت: رسول خدا فرمود: لوح و دوات یا کتفی بیاورید تا برایتان چیزی بنویسم تا بعد از من هرگز گمراه نشوید. گفتند: رسول خدا هذیان می گوید.(ابن حنبل،۱/ ۳۵۵)

- از ابن عباس نقل شده است: « پیامبر(ص) در بیماری مرگ خود فرمود: برای من دوات و صحیفه ای بیاورید تا برای شما نامه ای بنویسم که هرگز پس از آن گمراه نشوید. عمر گفت: پس برای گشودن فلان شهر و بهمان شهر روم چه کسی خواهد بود و پیامبر(ص) نخواهد مرد تا آن شهرها را بگشاییم و اگر پیامبر بمیرد منتظر او خواهیم ماند همچنان که بنی اسرائیل، منتظر موسی(ع) ماندند. زینب، همسر رسول خدا(ص) گفت: گوش فرا دهید، مگر نمی خواهید که وصیت و عهد رسول خدا را گوش فرا دارید؟ و آنان به درشت گویی پرداختند و پیامبر(ص) فرمود: برخیزید. پس برخاستند و چون آنان بیرون شدند، رسول خدا (ص) همان دم رحلت فرمود.(ابن سعد، ۲/ ۱۹۱ و نیز نک: جوهری بصری ۷۳ و ۷۴؛ ابن سعد، ۲/ ۱۸۷- ۱۸۹).

۵-۲- شواهدی از دومین دسته از احادیث قرطاس در منابع عامه

این نوع روایات خود از حیث توصیه های پیامبر(ص) به دو بخش قابل تقسیم است که در ذیل از هر کدام یک نمونه آورده شده است:

۵-۲-۱- از عمر بن فضل از نعیم بن یزید از علی بن ابی طالب(رضی الله عنه) نقل شده است: « رسول خدا (ص) به من دستور دادند تا قلم و کاغذی بیاورم، چیزی بر آن بنویسند که امت بعد از ایشان، گمراه نشود. من بیمناک شدم که اگر به دنبال قلم و کاغذ بروم، آن حضرت ممکن است فوت کنند و من در آن لحظه نباشم، پس گفتم: وصیت شما را حفظ می کنم و به دیگران می رسانم. ایشان فرمود: شما را به محافظت بر نماز، ادای زکات و رفتار نیکو با بردگان، وصیت می کنم.» (ابن حنبل، ۹۰/۱ و نیز نک: ابن سعد، ۲/ ۱۸۹).

۵-۲-۲- از ابن عیینه از سلیمان احول از سعید بن جبیر از ابن عباس نقل شده است: « پنج شنبه و چه پنج شنبه ای! سپس بشدت گریست که سنگ ریزه های روی زمین، از اشک هایش تغییر رنگ داد. گفت: وقتی بیماری پیامبر(ص) شدت گرفت، روز پنج شنبه بود. حضرت فرمود: چیزی بیاورید تا برای شما مطلبی بنویسم که بعد از من، هرگز گمراه نشوید. پس بر سر این موضوع نزاع کردند و پیامبر(ص) فرمود: نزد پیامبر خدا، نزاع شایسته نیست. پس گفتند: پیامبر(ص) هذیان می گوید. حضرت فرمود: آنچه من بدان خوانده شده ام(مرگ) از آنچه

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

شما مرا بدان می خوانید بهتر است. سپس به سه چیز توصیه نمود: مشرکین را از جزیرهٔ العرب خارج کنید. به هیئت های نمایندگی(وفود) جایزه دهید چنانکه من جایزه می دادم و در مورد سومی ساکت ماند یا فراموش کردم.»(بخاری، ۳/ ۱۱۱۱ و نیز نک: ابن سعد، ۱۸۷/۲ و ۱۸۸).

۶- جمع بندی روایات عامه در خصوص احادیث قرطاس

بررسی روایات عامه و کثرت نقل احادیث قرطاس از طرق آنان، در عین حال که ماجرای حدیث قرطاس را به عنوان یک واقعیت تاریخی ثابت می کند، خواننده را با حقایق دیگری نیز روبرو می کند.

مجموع روایات این موضوع به دو بخش قابل تقسیم است: بخش اول که در آن از تقاضای پیامبر(ص) و بدنبال آن نزاع و اختلاف در میان جمع حاضر سخن بمیان آمده. این بخش، در تمامی منابع اهل سنت، با این مضمون نقل شده است که: پیامبر(ص) در واپسین لحظات حیات، از اطرافیان قلم و دوات و صحیفه ای خواست تا برای آنان مطلبی بنویسد. اما در میان حاضرین بر سر این موضوع نزاع و اختلاف در گرفت و پیامبر(ص) از این کار منصرف گشت.

بخش دوم: که درحقیقت، ادامه ی حدیث قرطاس می باشد و تنها توسط برخی راویان نقل می شود. این بخش مختلف نقل شده است: در برخی روایات ، پیامبر(ص) پس از بی توجهی به تقاضایش، در دم فوت می کند و موفق به وصیت، حال یا بصورت شفاهی یا کتبی نمی شود. در برخی دیگر، پس از نزاع جمع، پیامبر(ص) سه توصیه می نماید که در نقل این سه توصیه نیز اختلاف است :روایتی که در آن، مروی عنه علی (ع) است، سه توصیه عبارتند از: برپایی نماز، ادای زکات و رفتار نیکو با بردگان. روایتی که در آن مروی عنه، ابن عباس است، سه توصیه عبارتند از: اخراج مشرکین از جزیرة العرب، جایزه به وفود و سومی که از خاطر راوی فراموش شده است. به این مطلب باید افزود که روایات ابن عباس، خود دارای اضطراب متن است. در روایتی از او نقل می شود که پس از نزاع جمع، پیامبر(ص) در دم رحلت می کند(ابن سعد، ۲/ ۱۹۱) و موفق نمی شود چه شفاهی و چه کتبی وصیت نماید، اما در نقلی دیگر از او، پیامبر(ص) پس از امتناع جمع، سه توصیه می کند. (بخاری، ۳/ ۱۱۱۱)

بررسی روایات عامه در بخش دوم، حکایت از اضطراب در متن دارد که خود از ضعف های حدیث و عدم اطمینان به آن به حساب می آیند.

۷- دلایل نقلی اشتمال احادیث قرطاس بر معرفی دوازده امام در کتاب سلیم

حدیث قرطاس با مضمون معرفی دوازده امام معصوم که سلیم آن را روایت می کند، مویدات نقلی فراوانی در دیگر منابع دارد که نشان از صحت این خبر دارد.

۷-۱- قرائن موجود در احادیث قرطاس دالّ بر معرفی دوازده امام

در میان احادیث قرطاس که در کتب متعدد شیعه و سنّی نقل شده است، تنها نقل سلیم از سلمان فارسی در حدیث چهل و نهم و نقل وی از علی(ع) در حدیث یازدهم از کتابش است که بصراحت بیان می کند پیامبر(ص) اسامی دوازده امام را بر علی(ع) املا فرمود و بدین وسیله نام جانشینان پس از خود را مسجل فرمود.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

اما، ممکن است این سوال پیش آید که چه دلایلی دالّ بر صحت نقل سلیم و چه قرائنی نشان دهنده قصد پیامبر(ص) بر نوشتن نصی بر امامت اهل بیت وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت: با بررسی این روایات می توان، حداقل، به پنج قرینه دست یافت که مشخص می کند پیامبر(ص) در این وصیت مکتوب، قصد معرفی دوازده امام معصوم را داشت. این قرائن عبارتند از:

۷-۱-۱- اراده پیامبر(ص) بر عدم گمراه شدن امت

آنگونه که از روایات شیعه و سنّی مشخص است، هدف پیامبر(ص) از نوشتن این وصیت، عدم گمراهی مسلمانان بود. این عبارت یعنی : « **لن تضلّوا بعدی** » نقطه ی مشترک حدیث قرطاس و حدیث ثقلین است. در ذیل، متن هر دو حدیث جهت مقایسه و مقارنه، آمده است:

حدیث ثقلین : ..... عن عطیه العوفی عن ابی سعید الخدری قال: « قال رسول الله (ص) انی ترکت فیکم ما ان اخذتم به **لن تضلّوا بعدی** الثقلین احدهما اکبر من الاخر کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی.... »(ابن حنبل، ۳ / ۵۹)

حدیث قرطاس: .... عن الزهری عن عبیدالله بن عبدالله عن عباس قال: « لما حضرت رسول الله (ص) الوفاة قال هلمّ اکتب لکم کتابا **لن تضلّوا بعدی**.....» (همو، ۱/ ۳۲۴)

مقارنه ی این دو نقل نشان می دهند که پیامبر (ص) در حال بیماری می خواست تفصیل آنچه در حدیث ثقلین بیان فرموده بود را بنویسد، تا سدی در مقابل گمراهی و اختلاف امت بعد از خودش باشد.

۷-۱-۲- لزوم عدم اکتفای مسلمانان به کتاب خدا

این سخن عمر یعنی: « **حسبنا کتاب الله** » (جوهری بصری، ۷۴) نشان می دهد که گویا پیامبر(ص) می خواست نام ائمه(ع) که تفصیل ثقل دیگر است را بنویسد و معنای سخن خلیفه دوم این بود که یکی از دو ثقل که همان کتاب خداست ما را بس است و نیازی به اهل بیت تو نداریم.

۷-۱-۳- جلوگیری از وقوع فاجعه اختلاف در بین مسلمانان

گواه دیگر بر اینکه پیامبر (ص) قصد مکتوب نمودن نصی بر امامت اهل بیت (ع) را داشت، قول ابن عباس در ادامه ی شرح ماجرای قرطاس است که: « تمام مصیبت امت اسلامی از آنجا شروع شد که نگذاشتند نبی مکرم آن وصیت نامه را بنویسد.» (ابن حنبل، ۳۲۴/۱)

تعبیر ابن عبّاس از این قضیّه به عنوان یک رزیّه و فاجعه، چه معنایی دارد؟ کدام مصیبت بالاتر از اختلاف و نزاع بر سر امر خلافت پس از رحلت پیامبر (ص) می توانست باشد؟ این قول ابن عباس، گواه بر ممانعت از قصد و اراده حضرت رسول (ص) به منظور تعیین وصایا و جانشینان ایشان در آن روز، یوم الخمیس است.

۷-۱-۴- اهتمام پیامبر(ص) به معرفی جانشینان خود به شکل خصوصی

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

روایت ابن عباس نشان می دهد که پیامبر(ص) قصد نوشتن نصی بر امامت ائمه(ع) را داشت، اما، مقصود او عملی نشد؛ زیرا ، ابن عباس می گوید: مصیبت ها از همین جا شروع شد. (همان منبع) برای تبیین این بخش از روایت، قرینه ی چهارم که مربوط به سند این روایت است ارائه گردیده است:

دو نقل سلیم، که در آنها به صراحت ادعا شده پیامبر(ص) در نهایت مقصود خود را عملی نمود، طریق نقل، یکی به علی(ع) و دیگری به سلمان می رسد. در برخی روایات، ادعا شده که پیامبر(ص)، پس از آنکه جمع حاضر، حجره ی او را ترک نمودند، در حضور اهل بیت و اصحاب خاصه ی خود یعنی : سلمان، ابوذر و مقداد ، وصیت خود را مشتمل بر معرفی امامان دوازده گانه ایراد فرمود. بنابراین، عجیب نیست که ابن عباس که در آن زمان، نوجوانی بیش نبود از این ماجرا بی خبر بوده باشد و بالعکس در نقل سلیم از سلمان و علی(ع)، به وضوح به این موضوع اشاره شده است. در حدیث چهل و نهم آمده است: « جبرئیل به من دستور داد بنویسم، آن نوشته ای را که می خواستم در کتف بنویسم و این سه نفر (سلمان، مقداد و ابوذر) را بر آن شاهد بگیرم.« (سلیم،۲/ ۸۷۷) همچنین در حدیث یازدهم از این کتاب آمده است: « سپس ورقه ای خواست و آنچه می-خواست در کتف بنویسد بر من املا نمود و این سه یعنی : سلمان، ابوذر و مقداد.« (همان منبع، ۶۵۸)

با این تفاصیل، روایتی منقول از ابن عباس وجود دارد که نشان می دهد او نیز از این موضوع بی اطلاع نیز نبوده است. بشرح :

از عبید الله بن عبدالله بن عتبه از ابن عباس نقل شده است: « .... حضرت(ص) روی به علی(ع) کرد و فرمود: ای برادر، آیا وصیت مرا می پذیری و وعده هایم را وفا و دین مرا ادا می کنی؟ علی(ع) عرض کرد: بله.... »(مفید، الامالی،۳۶) این نقل هرچند دلالت بر وصیت کتبی آن حضرت ندارد اما گزارش از وصایت علی(ع) پس از رفتن دیگر اصحاب و در حضور اهل بیت(ع) آن حضرت می دهد.

۷-۱-۵- مهم بودن محتوای وصیت با توجه به ظهور ناراحتی پیامبر(ص)

در بسیاری از احادیث قرطاس آمده که رسول اکرم (ص) ، پس از رد تقاضایشان ، غضب نموده و روی از حاضران برگردانده و فرموده است : « قوموا عنّی» (از نزد من برخیزید) و بدین وسیله عذر حضار را از ماندن در حجره ی خود خواسته است. این نوع عکس العمل که مخالف سیره و خلق و خوی آن حضرت است ، نشان می دهد که توصیه ی او حتماً ، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار بود که بی اعتنایی جمع ، منجر به چنین برخوردی شده بود ؛ وگرنه آن حضرت متخلق به اخلاق حسنه بود ؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید : **« وَ إِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ »** (القلم، ۴) همچنین ، آن حضرت موظف به برخورد لیّن با مردم بود ؛ چنانکه در قرآن کریم آمده است: « **بِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ ...** » (آل عمران، ۱۵۹) از عایشه، نقل شده که گفته است : « پیامبر غضبناک نمی شد، انتقام از کسی نمی گرفت، مگر آنکه انتقام و غضبش برای خدا باشد.» (ثعلبی، ۱۰ /۹۳۳) بنابراین، در برخورد تند آن حضرت و راندن اطرافیان، باید بدنبال یک دلیل متقن بود. در ارزیابی این دست روایات ، بنابر اینکه ، آنچه از اهمیت برخوردار بود ، تعیین جانشینان

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

پس از آن حضرت ، به جهت از بین بردن هرگونه اختلاف و سردرگمی در میان امت اسلام بود ، باید بر آن دسته روایات بیانگر توصیه ی پیامبر به پیروی از جانشینان او از میان اهل بیت (ع) صحه گذاشت.

۷-۲- اقوال علمای اهل سنت در مورد اشتمال حدیث قرطاس بر معرفی جانشینان پیامبر(ص)

علاوه بر شیعه، برخی از علمای اهل سنت نیز در روایات و بیاناتی، حدیث قرطاس را مشتمل بر اراده پیامبر(ص) در معرفی جانشینان خود داشته و این گمانه را مطرح کرده اند از جمله:

- نووی ، شارح صحیح مسلم ، می گوید :« علما اختلاف دارند که هدف پیامبر (ص) از نوشتن نامه چه بود!؟ برخی گفته اند: پیامبر (ص) می خواست صراحتا ، بنویسد که خلیفه بعد از او کیست تا هیچ نزاع و فتنه ای بعد از پیامبر (ص) بوجود نیاید.» (نووی،۱۱/ ۹۰)

- ابن حجر عسقلانی در فتح الباری می نویسد: « پیامبر(ص) می خواست ، اسامی خلفای بعد از خود را بنویسد تا اختلافی بین مردم ایجاد نشود.» (ابن حجر، ۱/ ۲۰۹)

- بدر العینی در عمدة القاری می نویسد: « علما بر سر این موضوع که پیامبر(ص) قصد نوشتن چه چیزی را داشت، اختلاف دارند؛ خطّابی دو وجه محتمل را مطرح می کند: نخست اینکه ، پیامبر(ص) قصد نوشتن نصی بر امامت بعد از خود را داشت تا فتنه های بزرگ برطرف شود و دیگر آنکه می خواست نوشته ای شامل مهمات احکام به جهت حصول اتفاق بر آن تبیین کند.» (بدرالعینی، ۲/ ۱۷۱)

- قسطلانی در ارشاد الساری در توضیح این حدیث می گوید: « من کتابی بنویسم که در آن به نام ائمه بعد از خود تصریح کرده باشم.» (قسطلانی، ۱/ ۲۰۷)

- احمد امین مصری در یوم الاسلام، بعد از تحقیق و تفحص، به این نتیجه رسیده که پیامبر(ص) قصد تعیین امام بعد از خود را داشت تا راه اختلاف بسته شود. (احمد امین،۴۱)

- ابن ابی الحدید، از قول عمر بن خطاب، اعتراف وی را چنین نقل می کند: « پیامبر (ص) اراده کرد که تصریح کند به اسم ائمه اما من مانع شدم.» (ابن ابی الحدید، ۱۲/ ۲۱)

- از انس بن مالک نقل شده که گفته است: « وصیت عمده ی پیامبر (ص) درحالیکه جان به سینه اش رسیده بود ، بر نماز و بردگان بود.»(ابن سعد، ۲/ ۱۹۵) در این نقل، صحبت از وصت عمده ی پیامبر(ص) شده که تلویحا می رساند پیامبر(ص) وصیت غیرعمده ای نیز داشت. مقارنه ی این نقل با روایات شیعه ، نشان می دهد که وصیت غیر عمده ی او، همان تعیین جانشینان پس از وی می توانست باشد.

۸- دلایل نقلی دیگر بر مکتوب بودن وصیت پیامبر (ص)

روایات متعددی در منابع شیعه و سنی دلالت دارند بر این مطلب که پیامبر(ص) قصد وصیت مکتوبی را داشت، اما خواسته ی او عملی نشد و در برخی روایات آمده که در نهایت، پس از منازعه ی جمع، وصیتی را که می خواست مکتوب کند، به طور شفاهی به علی (ع) فرمود. در این میان، طبق روایاتی که در کتاب سلیم نقل شده پیامبر(ص) وصیتی به املای خود و خط علی (ع) مشتمل بر وصایت خود مکتوب نمود. در ذیل نقلی آورده شده که می تواند موید روایت سلیم باشد:

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

از موسی ضریر نقل شده است که امام موسی کاظم(ع) فرمود: « من به پدرم، امام صادق (ع)گفتم: مگر امیر المؤمنین(ع)کاتب وصیت و پیغمبر دیکته گو و جبرئیل و ملائکه مقرب شهود آن نبودند؟! حضرت مدتی سر بزیر انداخت و سپس فرمود: چنان بود که گفتی، ای ابو الحسن؛ ولی زمانی که وفات رسول خدا (ص) در رسید، امر وصیت از جانب خدا در مکتوبی سر به مهر فرود آمد، آن مکتوب را جبرئیل همراه ملائکه امین خدای تبارک و تعالی فرود آورد. جبرئیل گفت: ای محمد! دستور ده هر که نزدت هست، جز وصیّ تو یعنی علی بیرون روند، تا او مکتوب وصیت را از ما بگیرد و ما را گواه گیرد که تو آن را به او دادی و خودش ضامن و متعهد آن شود، پیغمبر(ص) به اخراج هر که در خانه بود، جز علی (ع) دستور داد، و فاطمه در میان در و پرده بود» (کلینی، ۱/ ۲۸۱) این نقل نشان می دهد که نه تنها پیامبر(ص) وصیت خود را به علی(ع) املا نمود، بلکه وصیتی مکتوب نیز از جانب الهی مبنی بر وصایت علی(ع) بر پیامبر(ص) نازل شد. اما از آنجا که در نقل سلیم ادعا شده در این وصیت نام دوازده معصوم برده شده است، لذا در تکمیل روایت فوق ، روایتی دیگر در تایید ادعای سلیم ارائه گردیده است:

محمدبن احمد بن عبیدالله عمری از پدرش از جدش از امام صادق (ع) روایت نموده که ایشان فرموده: «خدای عزوجل پیش از وفات پیغمبر، مکتوبی بر او نازل کرد و فرمود: ای محمد! اینست وصیت من بسوی نجیبان و برگزیدگان از خاندان تو، پیغمبر گفت: ای جبرئیل نجیبان کیانند؟ فرمود: علی (ع)و اولادش، و بر آن مکتوب چند مهر از طلا بود، پیغمبر(ص) آن را به علی(ع) داد و دستور فرمود که یک مهر آن را بگشاید و به آنچه در آنست عمل کند، علی(ع)چنین کرد، سپس آن را به پسرش حسن (ع) داد، او هم یک مهر را گشود و بآن عمل کرد، سپس آن را به حسین (ع) داد..... همچنین موسی به امام بعد از خود می دهد و تا قیام حضرت مهدی (ص)این چنین است.»(همانجا، ۲۸۰)

روایات فوق نه تنها نقل سلیم را تایید می کند، بلکه مطلبی فراتر از آن را بیان می دارد که نشان می دهد نه تنها وصیت پیامبر(ص) به املای ایشان و خط علی(ع) عملی شد، بلکه وصیت نامه ای مختوم نیز از سوی خداوند متعال، دالّ بر وصایت علی(ع) بر پیامبر(ص) نازل شد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

۹- نتایج مقاله

در بررسی منابع حدیثی اهل سنت و شیعه و مقایسه و مقارنه حدیث قرطاس از کتاب سلیم با روایات و منقولات دیگر می توان به نتایج زیر دست یافت:

۹-۱- کثرت نقل حدیث قرطاس از کتاب سلیم از طرق دیگر و در منابع روایی مختلف شیعه و سنّی دلالت بر واقعیت تاریخی این ماجرا دارد .

۹-۲- جمع روایات شیعه، موید حدیث قرطاس از کتاب سلیم با مضمون معرفی دوازده امام معصوم (ع) است.

۹-۳- بررسی روایات عامه ، هرچند واقعیت تاریخی حدیث قرطاس را ثابت می کند اما ، اضطراب متن این روایات حکایت جزئیات احادیث را در هاله ای از ابهام قرار می دهد.

۹-۴- قرائن موجود در حدیث قرطاس و جز آن دلالت می کند بر اینکه پیامبر(ص) قصد مکتوب نمودن وصیتی در خصوص وصایت و جانشینی پس از خود را داشت .

۹-۵- اقوال و اعترافات دانشمندان اهل سنت ، می تواند دلیلی بر صحت روایت سلیم دالّ بر اشتمال این وصیت بر معرفی دوازده امام معصوم (ع) باشد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، به تحقیق : محمد ابوالفضل ابراهیم ، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی ، ۱۴۰۴ق.

۳- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.

۵- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری ، به تحقیق : محمد فواد عبدالباقی ، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.

۶- ابن حنبل، احمد، المسند، مصر: قرطبی، بی تا .

۷- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.

۸- احمد امین، یوم الاسلام، قاهره: موسسه النعمان، ۱۹۵۲ق.

۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، محقق: مصطفی دیبا البغا، چاپ سوم، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.

۱۰- بدرالعینی، محمود بن احمد، عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر، ۲۰۰۵م.

۱۱- ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، به تحقیق : ابو احمد ابن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۲- جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، السقیفة و الفدک، به تحقیق: محمد هادی امینی، تهران: مکتبة نینوی الحدیثه، بی تا.

۱۳- سلیم بن قیس الهلالی، ابوصادق، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، به تحقیق: محمد باقر انصاری زنجانی، قم: دلیل ما، ۱۴۲۸ق.

۱۴- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: اسلامیة، ۱۳۹۰ق.

۱۵- عاملی نباطی، علی بن محمد، الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم، به تحقیق: رمضان میخائیل، نجف: المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ق.

۱۶- عبدالمقصود، عبدالفتاح، السقیة و الخلافة، بیروت: دارالثقافة، بی تا.

۱۷- قسطلانی، احمد بن محمد، ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری، بیروت: دار صادر، بی تا.

۱۸- قشیری نیشاپوری، مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۱۹- کاتب واقدی، ابن سعد، الطبقات الکبری، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.

۲۰- کراجکی، محمد بن علی، التعجب من اغلاط العامة فی مسالة الامامه، به تحقیق: کریم فارس حسون، قم: دارالغدیر، ۱۴۲۱ق.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]

۲۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۲- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الامالی، به تحقیق: علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۲۳- نووی، محیی الدین، شرح النووی علی صحیح مسلم، چاپ دوم، بیروت ، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.8.15.1.5]